

لوئی مقدس و دربار قراقروم

لوئی نهم ملقب به مقدس (۱) ۱۲۷۰ - ۱۲۱۵ پادشاه معروف فرانسه که در تمام دوره طولانی قرون وسطی شهر یاری بیاکی و تقوای اودراروپا وجود نداشت در هفتمین دوره جنگهای صلیبی (۲) شرکت کرد ولی بدبختانه بدست قوای مصر در سال ۱۲۵۰ میلادی اسیر شد و پس از پرداخت پانصد هزار لیور معادل ۳۸۰۰۰۰۰۰ دلار آزادی خود را بدست آورد .

لوئی پس از نجات از دست مصریان با گروهی از سپاه خود بشهر عکا (۳) رفت و مدت چهار سال دور از وطن در آنجا اقامت گزید ، در طی این مدت طولانی کراراً از سلاطین اروپائی تقاضای کمک و مساعدت برای مبارزه با مسلمین مینمود ولی جنگ های داخلی اروپا مانع از ارسال هرگونه کمک و یاری برای وی می گردید . بطور کلی سلاطین اروپائی و پاپ در این زمان نسبت بمسائل مشرق زمین و جنگ های صلیبی بکلی بی اعتنا شده بودند، تلفات و خساراتی را که در طی بیش ازدوقرن از جانب مسلمین بآنها وارد شده بود و عدم موفقیتشان در راه حفظ و نگهداری اماکن

۱ - St Louis

- ۲ - جنگهای صلیبی بین مسلمانان و مسیحیان از سال ۱۰۹۶ میلادی تا سال ۱۲۷۰ میلادی (۴۹۰ - ۶۶۹ هجری قمری) جریان داشت. هدف اصلی مسیحیان تصرف بیت المقدس و سایر اماکن مذهبی از دست مسلمانان بود .
- ۳ - عکا واقع در کشور اسرائیل .

مقدسه و اختلافات عمیق وریشه دار پاپها و امپراطوران آلمانی برای کسب سیادت و برتری در قاره اروپا ، اوضاع نا بسامانی بوجود آورده بود که مجال تفکر در خصوص آزادی زادگاه مسیح را نمی داد .

پادشاه دیندار و متعصب فرانسه موقعی برای نجات بیت المقدس قد برافراشت که دیگر کمتر نشانه‌ای از احساسات و هیجان گذشته در روح و روان اروپائیان وجود داشت . سن لوئی که بکلی از مساعدت و همراهی پادشاهان اروپائی نومید شده بود تصمیم گرفت که مانند پاپ اینوسان از مغولان در پیکار با مسلمانان کمک بگیرد ، بهمین منظور راهب معروفی را بنام گیوم یا ویلیام روبروکی (۱) در سال ۱۲۵۲ یا ۱۲۵۳ میلادی (۶۵۰ هجری قمری) مأمور دربار مغول کرد .

سن لوئی به روبروکی گفته بود که خود را سفیر یا نماینده او معرفی نکند تا مثل سابق (۲) مغولها گمان نکنند که حضور سفرای اروپائی در دربار مغول دلیل اطاعت دولت متبوع آنهاست .

وقتی روبروکی با تفاق کشیش دیگری عازم مغولستان شد منگو قاآن پسر تولی و نوه چنگیز خان پس از درگذشت گیوک (۳) زمام امور امپراطوری مغول را در دست داشت ، این خان که از هر جهت شایستگی و لیاقت خود را در میان مغولان بمنصه ظهور رسانیده بود نسبت بعموم ادیان جانب احترام را مرعی میداشت . (۴)

۱ - Guillaume de Rubrupuis (1220 - 1293) .

۲ - قبل از اینزمان از طرف پاپ نمایندگانی بدربار مغول اعزام شده بودند که مأموریت آنها با شکست مواجه شده بود یکی از این نمایندگان ژان پلان کارپن نام داشت .
۳ - تاریخ فوت گیوک سال ۶۴۷ هجری قمری .

۴ - منگوقاآن (خان) نسبت بمسیحیان بی نهایت مهربان میکرد ولی در عین حال بمسلمانان نیز توجه داشت مادر او هم با وجودیکه مسیحی بود بهیچوجه مایل بایذاء و آزار مسلمانان نبود نوشته اند که ایدی قوت رئیس بت پرستان را که بمسلمانان ظلم وجور میکرد بدستور منگو روز جمعه بردریکی از مساجد بدار آویختند .

گیوم دوروبروکی از کشیشان فرقه فرانسیسکن (۱) بود وی نخستین کشیشی است که بالباس و قبای مخصوص آن طریقه در مشرق اقصی قدم نهاد؛ وی خود را منادی صلح خوانده و امید داشت که اولاکفار مغول را از حمله بارو با باز دارد و حتی در قبال حمله مسلمین از آنها طلب مساعدت نماید و در ثانی آنها را بآیین مسیح در آورد .

روبروکی که اندام فریبی داشت پس از تحمل ناراحتی ها و مشقات فراوان بحوالی رودخانه ولگا و شهر سرای مرکز مغولان در روسیه رسید ، بدستور باتوخان نواده چنگیز ، این کشیش نیمه جان را که از شدت سرما در حال مرگ بود در پوست گوسفندی قرار داده و پاهایش را نم‌پیچ کردند کلاه پوستی گرمی بر سرش نهادند و چون بسیار فربه و سنگین وزن بود اسبی قوی و تنومند باو داده و از سرحد ولگا تا مغولستان همراهیش کردند .

بقول هارولدلمب مورخ آمریکائی (۱) مغولها باین مرد با نظر حیرت‌مینگریستند که با قبای بلند و پای برهنه از ممالک دوردست فرانک ها بخاک آنها آمده است ، نه تاجر است و نه سفیر ، نه سلاحی دارد و نه هدیه و ارمغانی برای خان بزرگ آنها آورده ، نه اجری و پاداشی میخواهد

روبروکی قریب هشت ماه در شهر قراقروم پایتخت مغولستان اقامت نمود و در این مدت مشغول مطالعه در باره مغولها و نحوه زندگی و معیشت آنها و وضع دربار و خصوصیات اخلاقی ایشان بوده است . سفر نامه ای که از خود بیادگار گذاشته ما را با اوضاع مغولستان و مغولان آن زمان بخوبی آشنا میسازد .

بعضی از قسمت های سفر نامه او را که در کتاب چنگیزخان تألیف هارولدلمب

- ۱ - بانی این فرقه مردی ایتالیائی موسوم به سن فرانسوا بود که زندگی را بزه و تقوی و پرهیزگاری میگذرانید افراد فرقه او مانند حواریون مسیح بهمه جا میرفتند و مردم را راهنمایی مینمودند و خود را شریک غم و اندوه و ناراحتی های آنان مینمودند .
- ۲ - کتاب چنگیزخان تألیف هارولدلمب ترجمه مرحوم رشید یاسمی ۱۳۱۳ شمسی

ذکر شده است در اینجا میآوریم .

روبروکی مینویسد : « روز یکشنبه پانتکوت (۱) مرا بخدمت خان بردند ، پسرزرگر که مترجم من بود میگفت که مغولها میخواهند ترا بولایت برگردانند و تو باید استنکاف کنی ، چون بحضور خان رسیدم وزانو زدم پرسید آیا تو بوزرای من گفته ای که خان بودائی است ؟ در جواب گفتم قربان هرگز چنین عرضی نکرده ام ، گفت منم باور نمیکردم . زیرا که چنین حرفی از شما بعید بود ، بعد خان عصائی را که بر آن تکیه داشت بطرف من دراز کرده گفت مترس ! در جواب تبسم کنان گفتم اگر میترسیدم تا اینجا نمیآمدم ، خان گفت ما مغولها معتقدیم خدا یکی است و بس و بادلی پاك بدرگاه او رومیآوریم ، گفتم پس از خداوند مسئلت داریم که خان را در همین عقیده نگاه دارد زیرا که بقای ایمان هم بسته باراده اوست . گفت خداوند انگشتان دست را متفاوت آفریده است و افراد انسان را دارای افکار مختلف کرده است او کتب آسمانی خود را بر شما نازل کرده است اما فرمان نمی برید ، مسلماً خدا در کتابهای خود فرموده است که مردمان باید یکدیگر را آزار برسانند ، گفتم خیر البته من از اول بحضور مبارك عرض کردم که با هیچکس نزاعی ندارم خان گفت روی سخن با شما نیست میگوئیم که در کتابهای مقدس شما نوشته نشده است که انسان مجاز است برای فایده و سود خود از عدالت صرف نظر کند در جواب گفتم من برای تحصیل مال باینجا رو نیاورده ام و حتی هرچه بمن هدیه داده اند رد کرده ام ، یکی از وزراء که اینجا حاضر است میداند که من يك شمش نقره و يك قطعه پارچه ابریشمی را رد کرده پذیرفته ام ، خان گفت سخن من در این نیست ، میگویم خداوند برای شما کتاب نازل کرده و شما بفرمان او کار نمیکنید ولی غیبگویانی بما عطا فرموده و ما از دستور

۱ - Le Dimanche des Pantecôte عید کاتولیکها است که پنجاه روز

بعد از عید پاك میباشد و بیاد روزی است که روح القدس بر حواریون نازل شد .

آنان سرپیچی نداریم و این اطاعت موجب آرامش ماست .

خان قبل از بیان این کلمات چهار جام نوشید و من منتظر بودم که بازهم در باب عقاید خود بیانات مشروح تری بکند ، پس گفت ، شما مدت مدیدی اینجا توقف کرده اید و بسیار مشغوفم که میروید از قراری که گفته اند نمی توانید ایلچی مرا با خود ببرید پس بهتر است که حامل پیغام یا نامه های من شوید . گفتم اگر خان مطالب خود را بیان فرمایند یا در نامه بنویسند با کمال افتخار حامل آن خواهم بود . پس گفت طلا میخواهید یا نقره یا جامه گرانبها ؟ در جواب گفتم رسم ما نیست که این قبیل چیزها را بپذیریم ولی با وجود این بدون مساعدت خان هم قادر نخواهم بود که از کشور او خارج شوم . خان ما را مطمئن ساخت که هرچه لازم باشد خواهد داد و پرسید تا کجا میخواهید شما را برسانند گفتم تا ارمنستان ما را راهنمایی کنند کافی است ، خان گفت من شما را تا آنجا میگویم برسانند بعد خودتان مواظب خودتان باشید ، در هر سری دو چشم است معدنک هر دو یک چیز نمی بینند باتو شما را نزد من فرستاده است پس باید بخدمت او بازگردید من و باتو بمنزله یک چشمیم (۱)

بعد از قدری تأمل و سکوت گفت : راهی دراز درپیش دارید چیزی بخورید که قوت طی مسافت را داشته باشید پس فرمان داد تا شرابی بمن بنوشانند و من از حضور او بیرون رفتم و دیگر او را ندیدم .

ویلیام روبروکی در قسمت دیگری از سفر نامه خود در خصوص وضع دربار مغول اینطور مینویسد :

« تمام تالار از پرده های زربفت مستور بود و در وسط آن آتش میسوخت که

۱ - روابط منگو قآن با باتو خان بسیار صمیمانه بود زیرا در قورپلتای انتخاب خان جدید باتو با نفوذ کلام و قدرتی که بین مغولها داشت منگو قآن را برای جانشینی گیوک خان مناسب و شایسته تشخیص داد

هیزمش از ریشه بعضی اشجار و مدفوع گاو بود ، خان بر روی تشکی مستور از پوست براق و ظریفی شبیه پوست سگ آبی نشسته بود وی دارای بینی پهن و قد متوسطی بود ، عمر او را قریب چهل و پنجسال حدس زدیم زن کوچک زیبایی از جمله نسوان حرم در پهلوی او قرار داشت ، یکی از دخترانش با سیمای خشن همچنین در کنار او بر مسندی نشسته بود . این خانه بمادر همین دختر که عیسوی بود تعلق داشت و دختر کدبانوی آن خانه بشمار میرفت

از ما پرسیدند که چه قسم مشروب میل دارید شراب برنج یا شیر مادیان ! یا شربت عسل زیرا که در زمستان فقط این سه چیز متداول است ، ما جواب دادیم که عادت شرب نداریم و فقط رضای خان را طالبیم ، پس شراب برنج پیش آوردند و در ساغرها ریختند و ما محض احترام خان مختصری چشیدیم .

نامه ای که منگوقاآن برای پادشاه فرانسه فرستاده بود شامل مطالب تهدید آمیزی بود که امید های بسیار این پادشاه را در راه اتحاد با مغولها بر علیه مسلمانان نقش بر آب نمود . اینک بذکر قسمتی از این نامه میپردازیم ،

نامه منگوقاآن به سن لوتی پادشاه فرانسه (۱)

«دو نفر کشیشی که از طرف شما نزد سرتاش رفتند سرتاش آنها را نزد با تو و با تو نزد ما فرستاده زیرا منگوخان در دنیای مغول از همه بزرگتر است . اکنون برای اینکه ملت های ما و کشیش های شما در صلح زندگی کنند و از اموال خود بهره مند شوند زیرا ما اوامر خدا را اطاعت میکنیم ، ما میخواستیم با کشیش های شما سفیران مغول را بفرستیم ولی آنها گفتند که میان ما و شما کشورهایی در حال جنگند و مردمان بد نفسی پراکنده اند و راهپادشوارند ، آنها میترسیدند نتوانند سفیران ما را سالم بشما برسانند

ولی بما پیشنهاد کردند نامه‌های خودمان را با آنها بسپاریم و وعده کردند به لوثی برسانند پس ما فرمان ابدی خداوند را بوسیله کشیشان مزبور میفرستیم و چون شما آنرا گرفته دانستید اگر خواستید بما اطاعت کنید سفیران خود را بفرستید آنوقت ما می‌فهمیم که آیا میخواهید با ما در صلح باشید یا در جنگ .

وقتی که بقدرت خداوند از مشرق تا مغرب تمام دنیا در صلح و شادی با یکدیگر متحد شوند آنوقت میدانیم چه باید بکنیم اگر شما مقاومت کرده بگوئید که زمین ما دور، کوههای ما بلند، دریاهاى ما بزرگند و باین فکر قصد جنگ کنید خدای ابدی خدائی که مشکل را آسان و دور را نزدیک میکند میداند قدرت ما چیست .

با اینکه بعضی از امراء و خواتین معروف مغول از جمله سرقویتی بیگی مادر منگوقاآن (۱) در اینزمان مسیحی بودند معینا مأموریت روبروکی هم نتوانست موفقیت آمیز باشد ولی بعدها خواهیم دید که امراء و سلاطین مغول چون نتوانستند در مقابل سلاطین مصر و شام قدرت نمائی کنند خود طالب اتحاد و دوستی با سلاطین اروپا و پاپ شدند

۱ - راجع باین زن در تاریخ جهانگشای جوینی جلد سوم ص ۷-۸ مطالبی باین شرح مذکور است :

« سرقویتی بیگی برادرزاده اونگ خانست و پسران بزرگتر تولی خان ، منگوقاآن قبلا ، هلاکو ، اریغ بوکا ، ازاد بودند . برقرار پسران مذکور و لشکر و ولایت ومهتر و کهنتر در تحت تصرف امر ونهی و حل و عقد او باشند و از آنچه فرمان اوست سر نپیچند .

بیگی در ترتیب و تربیت تمامت پسران و ضبط امور دولت و اقامت جاه و حرمت و کفایت مهمات بحسن رأی و درایت اساس نهاد و در تشیید آن مبانی قاعده مهمد گردانید که هیچ کلاه دار را بر آن جمله میسر نگشتی و آن امور را بر آن سیاق رونق توانستی کرد و قان در هر کار که شروع نموده در مصلحت مملکت یا ترتیب لشکر ابتدا کنکاج ومشورت با او کردی و بدانچ او گفنی تغییر و تبدیل راه ندادی و رسولان و ایلچیان او را احترام و توقیر زیارت بودی ، پیوسته دست او ببذل و احسان مطلق بودی و هر چند تابع و مقوی ملت عیسوی بود صدقه و عطا برائمه و مشایخ مبذول داشتی و در احیای شعائر شرایع دین محمدی صلی الله علیه و سلم نیز کوشیدی . »